

پیش‌نگارشی بر کتاب "The Spirit of Conscious Business" نوشته فردکوفمن^①

بوسیله کن ویلبر^②

برگردان: دکتر جمشید جمشیدی

Conscious, Business, Spirit این ها سه واژه جالبی هستند، بله؟ این سه واژه علی‌رغم این که بندرت همزمان در یک جمله نقل میشوند موضوع تمام این کتاب میباشند. من در تعجبم که آنها وقتی این چنین با هم قلاب شدند حاوی چه معنی میتوانند باشند؟ اجازه بدهید از واژه Business شروع کنیم. خوب Business یعنی که.. Business. تعریف خشک و عرفی واژه Business در فرهنگ لغات عبارتست از "پیشه، کار، داد و ستد، تجارت و یا جدی، صحیح، کوشش بجا". همگی بنظر جدی میآیند.

معنی واژه Conscious از جمله: "داشتن آگاهی بر دنیای درون و برون فرد؛ بوسیله درک قلبی، بیداری و اندیشه مندی" میباشند.

پس "conscious business" ممکنست به معنی پرداختن به یک پیشه، کار و یا داد و ستدی باشد بروشی خرد مندانه و هوشیارانه. البته چنین تعریفی تلوخا میرساند که بسیاری از مردم چنین سبک خرد مندانه و هوشیارانه را ندارند. آن طوری که من تجربه کرده ام اغلب موارد همین گونه است. بنابراین با توجه به تعریف بالا بدون شک من از علاقمندان بی‌زی‌نس هوشیارانه و یا هر مقوله هوشیارانه دیگر میباشم.

واژه Spirit کمی غامض ترست؛ این اصطلاحی بزرگ، پیچیده و وزین است. به معنای "یک اصل حیاتی یا نیروی محرک در موجودات زنده؛ یک شعور مجرد؛ موجودیت ماورای طبیعی". ولی من هیچیک از این تعاریف را نمی‌پسندم؛ فکرنمیکم فرد (Fred) هم آنها را به پسندد. در انتهای لیست یک تعریف "ذات" وجود دارد که بنظر مناسبتر میآید.

پس "The Spirit of Conscious Business" ممکنست به معنای "ذات یک کار هوشیارانه و اندیشه مندانه" باشد.

چنین تعریفی بنظر جالب جلوه میکند. ولی هنوز من در تعجبم که "هوشیارانه" و "اندیشه مندانه" بدرستی چه معنایی میتوانند داشته باشند، مخصوصاً اینکه با ذکر "هوشیارانه" ما به عبارت هیجان انگیز "آگاه بر دنیای درون و برون" دست می‌یابیم. ولی در حقیقت چند دنیا میتواند در آنجا وجود داشته باشد، و آیا من برای این که یک هوشیار واقعی باشم لازمست که بر تمام آن دنیاها هوشیار بمانم؟

و در اینجا است که من فکرمیکم ما به جایی رسیده باشیم که تفکری بی‌زی‌نس هوشیارانه، با صرفنظر از بیان ذات بی‌زی‌نس هوشیارانه، حقیقتاً جالب میشود. دنیاها شامل سرزمین‌ها، دورنماها، محیط‌ها که حاکی از دنیای پهنآوری است، و هر چه ما به درون و برون آن بهتر واقف شویم راهیافت آن توسط ما بهتر خواهد بود.

همانطور که نقشه دنیای برون به ما کمک میکند نقشه دنیای درون هم ما را یاری خواهد داد. این نقشه‌ها با هم ابزاری را در اختیار ما قرار میدهند که باعث اصلاح شگفت‌انگیز قابلیت من در

① Fred Kofman

② Ken Wilber

راهیابی محیط‌ها و یا هر دنیای دیگری از جمله دنیای بی‌زی‌نس میشود. یک نقشه جامع که آمیزه‌ای از نوترین دانش هر دو دنیای درون و برون باشد ابزار شایسته‌ای را در دست قرار میدهد تا من‌اهدافی را که ممکن است داشته باشیم بوسیله آن عملی کنیم. و مضافاً این نقشه کلید هوشمندی بر دو دنیای درون و برون را در اختیار قرار میدهد. و از اینجاست که بی‌زی‌نس هوشیارانه و یا در حقیقت زندگی هوشیارانه به یک امکان واقعی بدل میشود.

دنیای بزرگ، نقشه بزرگ

البته مقصود از یک نقشه، نقشه خطه ارضی نیست و یقیناً ما قصد نداریم هر نقشه‌ای را علی‌رغم اینکه جامع نیز باشد با مساله خطه ارضی قاطی کنیم. و هم‌زمان ما نمی‌خواهیم وارث یک نقشه ناکامل، جزئی و شکسته باشیم. حقیقت اینست که بیشتر تلاش‌های انسان منجمله‌فعالیت‌های بی‌زی‌نسی با نقشه‌هایی ناکامل و اغلب گمراه‌کننده از پتانسیل بشری عملی میشود. این نقشه‌های جزئی و شکسته واقعیت‌های درون و برون درست همان چیز است که انسان را به شکست در کوشش‌های فردی و حرفه‌ای سوق میدهد.

از چند دهه قبل برای اولین بار در تاریخ کوششی هم‌آهنگ در جهت لحاظ کردن تمام نقشه‌های موجود پتانسیل‌های درونی و برونی بشر و ضمناً آمیزش آنها در یک نقشه شامل‌کننده و جامع

صورت گرفته است. این "نقشه بزرگ" که بعضی اوقات به نقشه انتگرال^③ (تلفیقی یا سنتزی-م)

معروف است جامع‌ترین و موزون‌ترین نمونه منتج می‌باشد، بنحوی که ارائه‌کننده راه‌نمای بی‌همتائی در جهت تعیین و تکمیل هر هدف بالقوه فردی و حرفه‌ای می‌باشد.

اما تا چه اندازه این نقشه جامع است؟ این نقشه فراگیر شامل تمام نقشه‌های درون‌گرای شناخته شده است که از مقایسات فرهنگ تطبیقی بر روی فرهنگ‌های مطرح بزرگ دنیا از جمله نقشه‌های روان‌شناختی از فروید گرفته تا به یونگ و پیازده بدست آمده؛ و نقشه‌های نوع شرقی آن شامل آنهائست که بوسیله یوگا، بودیسم و تائوئیسم معرفی شده‌اند؛ و ضمناً ماحصل نتایج مطالعات وسیع علم شناخت، زیست‌شناسی اعصاب و روان‌شناختی تکاملی؛ سنخ‌شناسی‌ها از

انیاگرام (enneagram)^④ گرفته تا Myers-Briggs^⑤؛ سبک‌های دگرذیسی شعوری از شامان^⑥ سنتی

گرفته تا حکمت‌پسامدرن می‌باشد. ایده ساده‌ایست: آیا این مدل یا نقشه‌ی روان‌شناختی چه مواردی را میتواند مد نظر داشته باشد، و آیا تمام این توانائی‌ها را در خود شامل میکند یا نه؟ زیرا انسان در حقیقت تمام این مکاتب و نظام‌های مختلف را پیشنهاد کرده است و باین جهت است که یک مدل باید آنقدر کامل باشد که تمام این اقلام را بحساب بیاورد، و مدل انتگرال تا آنجائی که میشود ادعا کرد چنین قابلیت را دارد.

و نتیجتاً در قلمروی درون، یک طیف شعور در دسترس زن و مرد حاصل شده است. این طیف

③ Integral

④ انیاگرام یک شاخص شخصیت‌شناسی است که شامل نه سنخ شخصیت به ترتیب ذیل می‌باشد. 1. اصلاح‌گرا، 2. یاری‌رسان، 3. رقابت‌طلب، 4. رومان‌تیک، 5. متفکر، 6. وفادار، 7. پرشور، 8. تحاجمی، 9. میانجی‌گرا-م
⑤ Myers Briggs روان‌شناس، بر پایه آموزش‌های یونگ شاخص شخصیت‌شناسی خود را بنام خود ابداع کردند. در این مجموعه هشت نوع شخصیت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. - م

⑥ shaman

از حد تن به ذهن، از ذهن به ذات اوج میگیرد، و یا از؛ پیش عقلانی به عقلانی و فراعقلانی و یا از؛ شعور بالقوه به شعور خودآگاه و آبر شعور و یا از؛ هیجانی به اخلاقی و روحانی سیر میکند. نکته اینجاست که برای اتخاذ یک برخورد جامع از هر وضعی، چه فردی و چه حرفه ای، تمام پتانسیل هائی که از چارچوب تن به ذهن و از ذهن به ذات سیر میکنند مهمند، زیرا که این واقعیت ها در حقیقت در تمام رخدادهای بشری نقش بازی میکنند، یا شما آنها را هوشیارانه بحساب می آورید و یا آنها بصورت ناخودآگاه در هر تلاش شما شیطنت میکنند. این نقش بازی کردن واقعیت ها میتواند در تمام فعالیت های انسان از ازدواج گرفته تا بی زی نس و آموزش و تفریحات مشاهده شود.

مضاف بر این واقعیت های درونی یا روان شناسانه، **مدل انتگرال** همچنین شامل اکثر نقشه های روز دنیای برون نیز میشود. این نقشه ها شامل نقشه هائی به مانند علوم امپریکال (تجربی) از

نظریه سیستم های دینامیک گرفته تا نظریه های پیچیدگی و آشفتگی⁷ میباشند که بطور وسیع

شناخته شده اند. آمیزش این واقعیت های برونی با واقعیت های درونی برآستی که به ایجاد یک **مدل انتگرال** درون و برون می انجامد، و بالاخره برآیند **نقشه** ایست که محکی باشد برای تبیین آنچه معنی هوشیارانه راستین دارد.

علی رغم اینکه **مدل انتگرال** فوق به نظر غامض میآید (و همینطور هم هست) در حقیقت این مدل میتواند به یک مشت فاکتورهای نسبتا ساده ای تقلیل یابد که سرعت قابل آموختن گردد. آسانترین طریقه برای خلاصه کردن **نقشه انتگرال** اینست که بدانیم چنین مدلی یک طیف شعوری را پوشش میدهد که در هر دو دنیای درون و برون عمل میکند: **پس بر خورد انتگرال** شامل هم تن، ذهن و ذات است که در خود، فرهنگ و طبیعت عمل میکند.

ما تا به اینجا بطور مختصر قسمت اول معادله را که اجمالا شامل "تن، ذهن و ذات" میشد تجسس کردیم و دیدیم که آنها بعنوان طیف شعور مرکب از واقعیت ها و یا دنیای درون میباشند. نیمه دوم معادله انتگرال که "در خود، فرهنگ و طبیعت" قرار دارد خودش نمایانگر سه دنیای بسیار مهم است؛ و این سه دنیا بنیادی ترین محیط ها، واقعیت ها و دورنماها را میسازند که طیف شعور در سرتاسر آن به عمل میپردازد.

"خود" بطور ساده عبارتست از دنیای درون خود من یا واقعیت های ذهنی که بوسیله درون نگری، مراقبه و خود انعکاسی قابل دستیابی اند. "**فرهنگ**" گویای دنیای ارزش های مشترک، درک متقابل و معانی مشترکی است که عامل تبادلات بین من و تو میباشند؛ از جمله زبان مشترک، نفع مشترک در بی زی نس و عشق به موسیقی کلاسیک و یا هر معنا و ارزش مشترک دیگری. این اشتراکات، ذهن فردی نیستند بلکه آنها بیناذهنی (یا بینافردی) هستند، دنیائی که بوسیله تعبیرات و درک متقابل قابل حصول است. و بالاخره "**طبیعت**" اشاره ایست به دنیای برون و یا حقایق عینی از جمله محیط ها، رخدادهای و آنچه که مربوط به طبیعت برونی بشر و تمام تولیدات و مصنوعات او میشود. اگر ارگانسیم بشر هم جزئی از طبیعت بشمار بیاید، که اینطور هم هست، پس تولیدات ارگانسیم انسان از قبیل وسیله نقلیه هم جزء تولیدات طبیعت است و میتواند با بهره گیری از علوم طبیعی مثل نظریه سیستم ها و تئوری پیچیدگی مورد بررسی قرار

⁷ complexity, chaos

گیرند.

این سه دورنمای برجسته یعنی خود، فرهنگ و دنیای خاکی اغلب به زیبا، خوب و حقیقت و یا هنر، اخلاق و علم تعبیر میشوند. یا ساده تر میتوانند به زبان من، ما و آن بیان شوند. آنها بعضی اوقات به "سه تای کلان" یا سه دنیای بنیادین و مهم که بشر همیشه آنرا محیط عمل خود قرار میدهد خوانده میشوند. بنابراین زندگی هوشیارانه و مسلما بی زی نس هوشیارانه لازمست تا هرگاه قصد به فعالیتی کرد این سه دنیا را مدنظر بگیرد زیرا که باید مجددا یادآور شد که این سه دنیا در هر رخدادی ظاهر میشوند و شما یا آنها را هوشیارانه بحساب میآورید یا اینکه آنها بطور نا خودآگاه در هر حرکت شما اخلال میکنند.

بی زی نس انتگرال

بنابراین بی زی نس هوشیارانه یا بی زی نس آگاه بر هر دو دنیای درون و برون بی زی نس است که تن، ذهن و ذات را در وجود خود، فرهنگ و طبیعت بحساب بیاورد. بعبارت دیگری بی زی نس هوشیارانه از طریقی که طیف شعور در سه دنیای بزرگ خود، فرهنگ و طبیعت به عمل میپردازد اذهان دارد. و این مخصوصا به این معناست که رهبری بی زی نس انتگرال بآبهره گیری از اهرم هائی که توسعه داده است به نحو شایانی به هدایت و شناسائی سه قلمروی خود، فرهنگ و دنیا به پردازد.

پس موجب تعجب نیست که نظریه های مدیریت بی زی نس به سه حوزه بزرگ تقسیم میشوند که هر یک پوشش دهنده یکی از سه دورنمای بزرگ میباشد: برخورد هائی که توجه خود را روی سیستم های عینی برونی مثل flow pattern و کنترل کیفیت تمرکز میکند؛ برخوردهائی که کانون توجه خود را روی انگیزه های فردی قرار میدهند؛ و آنهائی که روی فرهنگ و ارزش های کورپرات ها^⑧ (شرکت های انتفاعی) تاکید دارند.^⑨

نکته کلی اینست که رهبری بی زی نس انتگرال تمایل دارد تا تمام این ابزارها را بجهت نتیجه بخشی ماکزیموم یا نزدیک به کمال مطلوب بروشی هماهنگ و تلفیقی مورد استفاده قرار بدهد. برای مثال رهبری بی زی نس انتگرال راغب است تا با به کارگیری نظریه سیستم ها به فهم الگوهای دینامیک دنیای برون نایل آید. برخورد سیستمی با مقوله بی زی نس بوسیله نویسندگانی از جمله مگ ویتلی و جاکسون^⑩ از بین تقریبا صدها نویسنده دیگر در این زمینه رایج گردیده است. برخورد سیستمی ضمنا بطور وسیعی در جهت پیگیری سیکل های بی زی نس آن طوریکه در کارهای چشمگیر کریستنسن^⑪ بر روی فن آوری های مخرب انجام گرفته است مورد استفاده قرار گرفته است.

اما رهبری بی زی نس انتگرال همچنان در صدد است که از ابزار درونی طیف شعور اشخاص

⑧ corporates

⑨ Meg Wheatley

⑩ Michael C. Jackson

⑪ Clayton Christensen

هم استفاده کند؛ از جمله ابزارهای فراستهای هیجانی که بوسیله گلمن¹² رواج داده شده است و یا شاخص های شخصیت Myers-Briggs که به عنوان دستیار مدیریتی مورد بهره گیری قرار گرفته است؛ و همینطور ابزار انگیزه آفرینی در شخص که از طرف روبینز¹³ و کووی¹⁴ معرفی شده اند.

اما رهبری بی زی نس انتگرال نمی خواهد در چارچوب خود و دنیا محدود بماند. بلکه بی زی نس انتگرال در پی به کارگیری دانشی است که ما هم اکنون در مورد فرهنگ کورپرات ها و یا ارزشهای مشترک و انگیزه های کمپانی ها داریم. نه فقط اینکه هر کمپانی از یک فرهنگ بر خوردارست، بنظر میآید که سیکل های بی زی نس خاصی با بهره گیری از فرهنگ های کورپرات های گوناگون موثرتر هدایت بشوند، آن طوریکه برای مثال بوسیله تحقیقات مهم مور¹⁵ و یا تحقیقات امپریکال کولینز¹⁶ پیشنهاد شده است. هردوی آنها به اهمیت برجسته ارزش

ها و فاکتورهای بینادهنی کورپرات ها در موفقیت های طویل المدت اشاره داشته و این حقیقتی است که هر رهبری انتگرالی که مدعی اندیشه مندی و بیداری در دنیای ارزش ها و ماکزیم بازدهی کورپرات ها باشد مایل است تا آنرا مد نظر قرار بدهد.

بعبارت دیگر تمام این نظریه های برجسته مدیریت و رهبری بی زی نس از نظریه سیستم ها گرفته تا به فراستهای هیجانی و فرهنگ مدیریت کورپرات ها که پوشش دهنده سه دورنمای بزرگ هستند که انسان با آن روبرو میباید، همگی در مدل انتگرال حقیقی بی زی نس هوشیارانه جایگاه با اهمیتی را کسب میکنند. با وجود اینکه این مدل در نظراول بسیار پیچیده جلوه میکند ولی اکنون این حقیقت انکار ناپذیری است که هر برخورد کمتر از انتگرال محکوم به شکست است. در دنیای امروز هیچ کس نمیتواند کمتر از انتگرال تعامل داشته باشد، زیرا در غیر این صورت ملزم به ضمانت هزینه بسیار بالائی خواهد شد. تن، ذهن و ذات- خود، فرهنگ و طبیعت همگی حاضرند و در تمام رخدادها نقش فعال و نافذی را بازی میکنند، و تو در هر تلاش انسانی یا آنها را بطور آگاهانه مد نظر قرار میدهی یا اینکه باید بایستی عقب و تماشگر هجوم مرگبار آنها باشی.

نقشه بزرگ، ذهن بزرگ

من سعی کرده ام تا یک خلاصه ساده ای از برخورد کلی به مساله بی زی نس را در کتاب "یک نظریه برای هر چیز"¹⁷ ارائه بدهم. اما احتمالاً بهترین فضا برای شروع با یک برخورد انتگرال به مساله بی زی نس همانا خود شخص باشد. فراگیری انتگرال از بین سه تایی کلان خود،

¹² Daniel Goleman

¹³ Tony Robbins

¹⁴ Franklin Covey

¹⁵ Geoffrey Moore

¹⁶ Jim Collins

¹⁷ A Theory of Everything: An Integral Vision for Business, Politics, Science, and Spirituality

فرهنگ و دنیا، اول از خود آغاز میشود. چگونه تن، ذهن و ذات در درون من عمل میکنند؟ چگونه آنها الزاما روی نقش من در دنیای بی زی نس تاثیر میگذارند؟ و من چگونه میتوانم از عملکرد این واقعیت ها در درون خودم و دیگران هوشیارتر باشم؟

کتاب کوفمن¹⁸ که در ضمن جلد سوم و جمع بندی بی زی نس هوشیارانه است حاوی ارزش فوق العاده ای میباشد. ارشدیت انتگرال با ارشدیت خود شروع میشود که از سطح هیجانی به سطح ذهنی- اخلاقی و سطح روحانی ارتقاء مییابد. هیچ چیز بیشتر از این لازم نیست و هر چیز کمتر از آن نیز مصیبت بار است.

فرد کوفمن نمونه زنده ای از آن چیز است که آموزش میدهد، او مرد حساسیت، بی نقص، لبریز از شعور است. این صفات نه فقط اینکه او را بهتر، مفیدتر و شخص موفق بی زی نس ساخته است بلکه او را بیشتر به یک انسان قابل تقدیر تبدیل کرده است. و من از اینکه او را دوست بنامم بخود میالم. من با اشتیاق بسیار بشما توصیه میکنم تا فرد (Fred) را در سفری که میاموزید چگونه با متحول کردن تن، ذهن و ذات که پیش درآمد دگر دیسی خود، فرهنگ و دنیا میباشند همراهی کنید. و نهایتن در این وصلت انتگرال نه شما و نه دنیا هرگز یکسان باقی نخواهید ماند.

¹⁸ The Spirit of Conscious Business